

متن پرسش

سلام علیک و ریحانه و رضوانه. عذر خواهم بابت مزاحمت برای استاد و مخاطبان سایت. وقتی گوش هایی که آوازهای هوس آلود آنها را از شنیدن نغمه های ملکوتی محروم کرده آمادگی شنیدن را از دست می دهند باید با وجدان تاریخی انسان ها سخن گفت زیرا امروز انسان بیش از دیروز محتاج تاریخی جدید و زیستی نو در تاریخی می‌گردد که نه دیروز اش باشد و نه فردای نامعلوم! باید با وجه تاریخی و وجدانی که امروز بشر با آن مواجه شده است که تاریخی دیگر در حال ظهور است و انسان با مرحله ی جدیدی از حضور تاریخی اش مواجه است. (انقلاب اسلامی را می توان در این وجدان تاریخی بشر امروز یافت و پیدا کرد نیازی نیست مستقیم او را متوجه این تاریخ توحیدی کرد بلکه کافی است تا او را به تاریخی برای زندگی جدید و پس فردایی اش روبرو کنیم مطمئن باشید او آمادگی حضور در آن تاریخ را در خود پیدا می کنند و منتظر گشودگی آن تاریخ در فردای زندگی اش خواهد شد) اربعین دقیقا از سنخ همین زندگی پس فردایی بشر با زیستی نو و گذر از پوچی تاریخی و حضور انسانی جدید در عالمی با تاریخی جدید است. خوب است با زبان اربعین که همان وجه وجدان تاریخ جدیدی است با انسان ها گفتگو کنیم حتی آن انسان اروپایی که خارج از اتمسفر مذهب است آنگاه او هم با ما هم زبانی خواهد کرد. اربعین حضور شهودی فردای تاریخ انسانی است که می خواهد فارغ از مفهوم و الفاظ و عبارات در ساحت حقیقت و وجود با خود روبرو شود و این با قدم های انسان در اربعین محقق می شود. آدمم جستجو کنم خود را با خدا روبرو کنم خود را تاریخ گسیخته ی از حقیقت انسان را در توهم و تخیلات سرگرم می کند تا آدمی درد پوچی را کمتر احساس کند و هر روز به دنبال سرگرمی ها و آزادی های بی معنایی که بیش از آنکه آزادی باشد انسان را اسیر می کند بگردد و اربعین درست در مقابل این نقطه ی تاریک تاریخ قرار گرفته است تا انسان را با حقیقت و اصل ترین نوع بودن تاریخ خودش روبرو کند و حسین پرچم دار این تاریخ است. «و بذل مهجته فیک، لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة. و مگر امروز حیرت ضلالت و جهالت همین تاریخ مدرن و عالم غرب مدرن نیست که انسان را در بر گرفته است و رنج پوچی دورانی که فریاد انسان ها را بر آورده است؟! خوب است زبان اربعین حسینی را در تاریخی که انسان ها از دیروزشان فارغ و نسبت به فردای شان نا امید هستند در میان بگذاریم تا با زبانی زنده در تاریخی روشن انسان ها را از ضلالت و حیرتی که دچار شده اند نجات دهیم و شاید بتوان همین معنا را از این فراز حسین منی و آنا من حسین و یا روایت إن الحسین مصباح المهدی و سفينة النجاة باشد. باید حسین علیه السلام را در اربعین به حضور تاریخی فردای انسان ها پیدا کرد تا بهره ای را که می خواهیم از این حرکت

عظیم در زندگی فردایی مان بیابیم ان شالله و گرنه رنجی از سفر با خود به‌مراه می‌بریم بدون آنکه در تاریخ اربعین حسینی حاضر شده باشیم.... و حرف بیش از این است که هست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه اندازه با این سخن شما همراه هستم که می‌فرمایید: «و حسین» علیه‌السلام» پرچمدار این تاریخ است» و این‌که آن حضرت خون مبارک خود را به بشریت بذل و عطا نمود تا انسان‌ها در سرگردانی‌های امروزی به خود آیند که چه اندازه می‌توانند استوار و امیدوار از حیرت ضلالت و سرگردانی‌های ناشی از ناآگاهی عبور کنند.

مردی که هیچ رغبتی به سروری بر دیگران نداشت، مهرورزی و بخشش را والاترین ارزش‌های انسانی می‌دانست، در عین شجاعت و بی‌باکی و عدم ترس. کیست که نداند در کربلا با مردی روبرو هستیم که در او شجاعت و حکمت در حدّ کفایت موجود است تا ما در امروز خود در نسبت با او به خود بیندیشیم؟ گوش جان به او بسپاریم تا آهسته‌آهسته نغمه‌ای به گوش جانتان برسد که هرگز سستی و دون‌مایگی و تحقیر دیگران با فضیلت نمی‌سازد. امری که این روزها در رخداد اربعینی می‌توان در نسبت همه با هم بخصوص در نسبت خادمان و زوّار احساس کرد. ما آمده‌ایم تا در این رخداد اربعینی با جهانی سراسر دروغ در هر لباسی که باشد همانند مولایمان مقابله کنیم تا انقلاب اسلامی با باطن نورانی خود که وجدان تاریخی بشریت را فراگرفته همچنان ادامه یابد و وجدان انسان‌ها را به خود آورد که راه نجات، راهی نیست که زالوصفتان به جان انقلاب اسلامی افتاده‌اند تا بمانند بلکه راه، راهی است که خادم و زوّار در بستر تاریخی که با انقلاب اسلامی ذیل حضور شهدا شروع شده، آن را یافته‌اند. موفق باشید